



## خط الجزم

### خط کوفی

خط عربی یا بهتر و بعبارة صحیح و درست ، خط اسلامی که پس از تحولات گوناگون و نظورات بسیار و تحسین و تکمیل آن، هم اکنون بیشتر ملت‌های، مسلمان مانند: ایران و پاکستان و ممالک مصر و سوریه (که خود را کشورها و اقوام عرب میدانند) و تا یک ربع قرن پیش ملت ترک، زبانهای خود را بدین خط مینویسند ، در اواخر دوران جاهلیت عرب و اندک زمانی پیش از پیدایش و انتشار اسلام در شبه جزیره العرب نسبتاً رواجی یافت .

درباره اصل این خط اختلاف است که از خط مسند «حمیری» یا از خط «نبطی» ریشه گرفته و اقتباس شده است؟ یا از یکی از خطوط مسند حمیری و یا خط نبطی ریشه گرفته و خطوط «ایلامی» و «پهلوی» در آن تأثیر نموده است و این مسئله خود در خور بحثی مبسوط میباشد .

اما آنچه که بمرحله قطعیت رسیده این است که خط عربی (خط اسلامی) در آغاز از شهر انبار (۱) به حیره رسید و آنگاه از حیره به مدینه و مکه و سرانجام به همه حجاز رسیده است .

این خط پیش از آنکه به «خط کوفی» موسوم شود به «خط الجزم» موسوم بوده است .

رواج و تعلیم این خط در حجاز نخستین بار بوسیله یکی از افراد قوم یهود انجام گردیده است، در آن وقت شهر یشرب (مدینه) یکی از مستعمرات قوم مهاجر یهود بود . قوم یهود دارای فرهنگ و دین و آیین بوده‌اند. یکی از مردان یهود در

آقای سید محمد کاظم امام استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران

۱- انبار : انباریکی از شهرهای قدیم است که در شمال استان دلهایران شهر (عراق کنونی) واقع در عهد ساسانیان تا اوائل سده سوم اسلامی هنوز دایر بوده است . شهر «حیره» نیز پایتخت دولت نیمه مستقل و تحت‌الحمایه ایران بوده است .

شهر یشرب (مدینه) اطفال را تعلیم خط نوشتن میداد، و عده از مردان قوم عرب نوشتن و خواندن خط عربی را فراگرفتند مانند: «زواره» و «المنذر بن عمرو» و «ابی بن کعب» و «زید بن ثابت» و چندتن دیگر (۱).

روابط بازرگانی شهر مدینه و مکه که بوسیله خاندان قریش انجام میگرفت موجب انتقال خط مزبور بمکه گردید و جمعی از بزرگان و سران قریش سواد خواندن و نوشتن را بخط مذکور میدانستند و آنان:

بلاذری مینویسد: اسلام ظهور کرد و میان قریش هفده تن بودند که همگی خواندن و نوشتن را بخط مذکور میدانستند. و آنان:

علی بن ابی طالب، عمر بن الخطاب، عثمان بن عفان، ابوعبیده بن ابوح، طلحة، زید بن ابی سفیان، ابوحنیفه بن عتبة بن ربیعة، حاطب بن عمر، واخوسهیل بن عمر و العامری از خاندان قریش، ابوسلمه بن عبدالاسد المخزوم، ابان بن سعید بن العاص بن امیه، خالد بن سعید و برادرش، عبدالله سعید بن ابی سرح العامری، حویطب بن عبدالعزی العامری، ابوسفیان بن حرب بن امیه، معاویه بن ابی سفیان، جهه بن الصلت بن مخرمه بن عبدالمطلب بن عبدمناف از دیگر طوایف عرب مکه و از هم پیمانان قریش: العلاء بن الحضرمی (۲).

و از زنانی که در آن وقت سواد خواندن و نوشتن را با این خط میدانسته اند: شفاء دختر عبدالعدویه از خاندان عمر بن الخطاب و حفصه دختر عمرو و همسر پیشوای اسلام. حفصه خط نوشتن را از شفاء العدویه آموخته بود و ام کلثوم دختر عقبه و فروة دختر عایشه دختر سعد و کریمه دختر مقداد. اما عایشه دختر ابوبکر و همسر دیگر پیشوای اسلام و نیز ام السلمه هر دو فقط سواد خواندن قرآن را داشته اما خط نوشتن را نمیدانسته اند.

در دوران اسلام، پیشوای اسلام سواد خواندن و نوشتن را میان قوم عرب در حجاز رواج و انتشار داد و نیز در باسواد نمودن زنان توجهی خاص مبذول میداشت تا جائیکه شفاء العدویه را فرمان داد که حفصه همسرش را سواد خواندن و نوشتن بیاموزد تا دیگر مسلمانان در باسواد نمودن زنان خود و تعلیم خط نوشتن و خواندن بایشان بدو اقتدا و از او پیروی نمایند (۳).

در جنگ بدر که به پیروزی سپاهیان حضرت محمد (ص) پایان یافت گروهی از سران قریش و اعراب به اسارت مسلمانان درآمدند و مقرر گردید که هر کس از اسیران بخواهد آزاد گردد فدا به پردازد یعنی مبلغی معین از مال را به بیت المال اسلام بپردازد و آزاد شود و آنان که سواد خواندن و نوشتن خط را دارا باشند در عوض مال ده تن از مسلمانان بی سواد را سواد خواندن و نوشتن تعلیم بدهند و سپس آزاد شوند (۴).

۱- کتاب الخط العربی - سهیله باسین ص ۲۷ - ۲۵

۲- فتوح البلدان - بلاذری - ص ۴۷۷ .

۳- صبح الاعشی - قلقشندی - ج ۳ - ص ۱۴ .

۴- کتاب: صبح الاعشی - از قلقشندی - ج ۳ - ص ۱۴

چون فی الحقیقه اسلام رواج دهنده و ناشر این خط در جزیره العرب بوده است از این جهت این خط به خط اسلامی موسوم گردیده است اما تا این تاریخ خط عربی درهم و برهم و کج و معوج در سطور درهم آمیخته نوشته میشد (۱) .

پیشوای اسلام برای انجام کارهای کتابتی دیوان رسائل و نگارش پیمانها و نوشتن آیات قرآن که بتدریج انتشار می یافت گروهی از نویسندگان را بعنوان نویسندگان و کتاب وحی معین نموده بود . شماره این نویسندگان به چهل و دو تن میرسید و از جمله آنان: علی بن ابی طالب، عمر بن الخطاب، عثمان، خالد بن سعد، ابی بن کعب، ابان بن سعد و غیره میباشند .

این نویسندگان دیوان محمدی بهترین و ماهرترین و خوشخطترین نویسندگان آن عصر بشمار میرفته اند .

پس از بنیاد شهر کوفه در خلافت عمر بن الخطاب سواد خواندن و نوشتن در آن شهر انتشار یافت و نویسندگان شهر کوفه بطور خاصی در تحسین خط اسلامی (خط عربی) و در تزیین آن و در هندسه اشکال حروف و نگارش حروف دایره دار مانند ج ر ن و در استقامت الفها و کلمات و سطور کوشش بسیار نموده اند و این خط در شهر کوفه چنان بدرجه کمال رسید که در عهد خلافت علی بن ابی طالب (ع) نقوش سکه ها، قرآنها، کتیبه های منابر و محرابها تماماً با این خط زیبای تکمیل شده کوفی نوشته میشده است .

باری خط اسلامی (یا بقول بعضی خط عربی) با انتشار اسلام در اثر فتوحات در بلاد مفتوحه اسلامی رواج یافت و جای حروف دیگر قدیمه - که بمراتب از آن قدیمتر و کاملتر بودند - مانند حروف لاتین و حروف یونانی را بگرفت و در سرزمین پارس به جای حروف پهلوی این حروف معمول و متداول گردید .

در دوران خلافت علی بن ابی طالب (علیه السلام) خط کوفی باوج ترقی و پیشرفت و زیبایی و گسترش رسید و در همه بلاد اسلام کتابت مصاحف و نقوش مسکوکات سیم و زر و کتیبه های منبرها و محرابها و مساجد و دیگر بناها بوسیله خط زیبای کوفی بوده است .

برای نخستین بار يك روی سکه را در عهد خلافت علی علیه السلام در کوفه بخط کوفی نقش کردند (۲) .

باید دانست که سکه های سیم و زر متداول در بلاد اسلام تا دوسه قرن بیشتر سکه های زر و سیم دولت شاهنشاهی پارس بوده است که بنام شاهنشاه ساسانی در حال ستایش اهورامزدا در آتشکده ضرب گردیده بود و در جنب آن سکه های امپراطوری روم نیز رواج داشته است، و گویا در خلافت علی علیه السلام يك روی سکه را بخط کوفی نقش کرده و روی دیگر آنرا - برای رواجش - بنام شاهنشاه پارس ضرب کرده اند (۳) .

۱- کتاب: الخط العربی نقل از: اسرائیل ولونسون ص ۱۹۶ .

۲ و ۳- کتاب: الخط العربی - ص ۲۷ - ۲۵

انتشار و رواج خط کوفی در بلاد و ممالک اسلامی دوام یافت تا اینکه در اواخر عهد دولت امویان یکی از نویسندگان دربار اموی که نویسنده قرانهای دربار اموی نیز بوده است بنام «قطبه المحرر» خط کوفی را از شکل و صورتی که داشت تغییر داد. وی که نویسنده و خطاطی ماهر و زبر دست بود با ابتکارات و تغییراتی که در خط کوفی بوجود آورد خط کوفی را از رواج بیانداخت و از خط کوفی چهار قلم بنام خط الجلیل و طوماری و غیره بوجود آورد و از آن پس نقش سکه‌ها و کتابت قرآن‌ها و کتیبه‌های منابر و مساجد و کتابت رسائل و خط مکاتبات تماماً با اقلام جدیدالابتکار او متداول گردیده و نگارش بخط کوفی و تعلیم و تعلم آن پایان رسیده (۱).

یک نسخه از قرآن کریم بخط زیبا و پخته و تکمیل شده کوفی بر روی پوست نوشته شده و بخط زیبای نویسنده و دبیر وحی و منشی دیوان اسلام پیشوای شیعیان خلیفه مسلمین علی بن ابی طالب علیه السلام در کتابخانه آستان قدس موجود است. در آخرین صفحه نام کاتب چنین رقم گردیده: کتبه علی بن ابی طالب. علی واو همان منشی و نویسنده ایست که پیمان صلح مکه را نوشت و در آخر آن نیز نوشت و کتبه علی بن ابی طالب.

زهی سعادت و خوشبختی که از میان آنهمه ضایعات گنجینه میراث اسلام این گوهر گرانباه از دستبرد حوادث زمان و سوانح لیل و نهار رسته و اینک سالماً بدست ما رسیده است.

متأسفانه گروهی از همه چیز و همه جا بی خبر، نه محقق، نه مورخ، نه باستان شناس، و همه این اوصاف را به پیوست هزاران اوصاف دیگر بخود بسته و بمقتضای خالف تعرف و همه چیز حتی بدیهیات را منکر میشوند و از این راه برای خویشتن فضیلتی موهومی اکتساب میکنند، عقیده دارند که این قرآن هرگز بخط علی بن ابی طالب نمیباشد. اما نمیگویند که پس چه کسی و در کجا آنرا نوشته که بجای نام خود رقم علی بن ابی طالب را نوشته است. غافل از اینکه پوست و مداد و اصالت و زیبایی خط خود معرف آن میباشد. علی بن ابی طالب یکی از بهترین نویسندگان و از ماهرترین و خوشخطترین نویسندگان خط کوفی در شهر کوفه بشمار بوده است. او اوقات فراغت از کارهای حکومتی به نوشتن مصحف می پرداخته است. نویسنده وقتی فکر میکردم شاید این قرآن خط علی بن ابی طالب فنجگردی نیشابوری باشد؟ (۲) وی مردی ادیب و نویسنده و خطاطی بزرگ بوده است و

۱- کتاب: الخط العربی و تطوره فی العصور العباسیه فی الواقع - از سهیله باسین الجبوری - ص ۲۷-۲۵. الفهرست - ابن الندیم ص ۱۰. صحیح الاعشى - قلقشندی ج ۳ ص ۲۷.

۲- فنجگرد: مغرب پنجگرد یکی از دیه‌های نواحی نیشابور میباشد و از آنجاست: فقیه ادیب ابوعلی الحسن بن محمد و اباعلی حامد بن محمد و بخرم... از معجم البلدان... ناقرت - ج ۳ ص ۹۱۸ چاپ لایپزیک Leipzig سال ۱۸۶۸





بهمین سبب تشابه اسمی برخی اشعار او وارد دیوان منسوب به حضرت علی علیه السلام گردیده است ؟ اما خیلی زود باشتباه خود پی بردم زیرا : علی بن ابی طالب فنجگردی در حدود سده چهارم در نیشابور میزیسته است و در آن هنگام دیگر خط کوفی بکلی از رواج و انتشار افتاده بود و دیگر جز افراد بسیار نادری از نوشتن و خواندن آن خط عاجز بوده اند و دیگر بهیچوجه انتشار و رواجی نداشته است و حال آنکه علی بن ابی طالب فنجگردی از راه نوشتن قرآن برای مردم ارتزاق میکرد است. پس در آن عهد آنهم در سرزمین ایران چه کسی میتواندست قرآن خط کوفی را بخواند تا به علی فنجگردی سیم و زری بدهد و او برایش قرآن بنویسد . اصلاً در عهد فنجگری دیگر تقریباً دو قرن بود که خط کوفی از میان رفته و کسی یافت نمیشد که بتواند خط کوفی را مانند دوران رونقش بدین زیبایی و خوشی بنویسد . بعلاوه در عهد فنجگردی (قرن چهارم) دیگر انواع کاغذها بحد و فور وجود داشته است و دیگر نه کسی نیازمند بود که بر پوست چیزی بنویسد و نه اصلاً برای نوشتن ، اینگونه پوستهای آماده شده وجود داشته است .

## منت دشنام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز جامع علوم انسانی

یکی پرسید از آن شوریده ایام

که توچه دوست داری گفت دشنام

که مردم هرچه دیگر می دهندم

به جز دشنام منت می نهندم

شیخ فریدالدین عطار نیشابوری  
قرن ششم و هفتم